



۲۰۲۱/۱۰/۰۱



حسیب فضل

غلام محمد طرزی

غلام محمد طرزی فرزند رحمدل خان و برادر زاده مرحوم مهر دل خان مشرقی است. در سال ۱۲۲۵ هجری قمری در شهر قندهار تولد یافته و در ۱۳۱۸ هجری قمری در دمشق چشم از جهان بسته است.



غلام محمد طرزی یکی از
علماء و بزرگان افغانستان

طرزی مردی بود ادیب، عالم و فاضل با گرایش های عرفانی و آرمان آزادی خواهانه، او از طرف امیر دوست محمد خان لقب ارجمند دانشمند یافت. امیر عبدالرحمن خان در سال ۱۲۹۹ هجری قمری او را به هندوستان تبعید کرد. طرزی در ممالک هند، عربستان، دمشق، مصر و ترکیه به مسافرت و مهاجرت پرداخت. در ترکیه با سلطان عبدالحمید عثمانی ملاقات نمود و کتاب اخلاق حمیدی را به نام او تألیف کرد. در فارس (ایران امروز) نیز مورد علاقه شاه قاجار قرار گرفت و چند قصیده به مدح آن پادشاه سرود.

مرحوم طرزی شخصی بود عارف پیشه و دارای آرمان آزادی خواهی که این طرز تفکر او با روحیه ظالمانه و درنده خویی امیر عبدالرحمن خان نمی توانست سازگار باشد.

قصیده ای که در مدح سید جمال الدین افغان سروده منحصیث نمونه شعر طرزی ارائه می گردد.

نسیم صبح در گلشن وزید از جانب صحرا

عبیر آمیز و عنبر بیز و روح افزا

چو بوی لاله جان پرور چو بوی گل روان پرور

دمادم گلستان پرور سراسر بوستان پیرا

ازو طبع چمن تازه و ز و بر روی گل غاره

از و در گلشن آوازه و زو در بوستان غوغا

تا جایی که گوید:

به جسم لاله نعمان ز لطف خویش بخشد جان

که بتر طبع خردمندان کلام نغز مولانا
جمال الدین نام آور سخن سنج و سخن پرور
خردمند و هنر گستر فلک قدر و ملک سیما
فلاتون از غم رویش کند تب لرزه در کویش
اشارات دو ابرویش شفای بوعلی سینا
ترا طرزی ثنا گوید هزاران مرحبا گوید
به صدق دل دعا گوید چه در سرا چه در ضرا

منبع: تاریخ ادبیات دری، محمد اکبر سنا غزنوی

سردار غلام محمد خان پدر محمود طرزی یکی از مریدان سید جمال الدین افغان و هم از همدستان و طرفداران غازی محمد ایوب خان بود، و به همین لحاظ از جانب امیر عبدالرحمن خان از کشور تبعید و هرگز اقامت در ساحه استعمار برتانیه را نپذیرفت.

محمود در ۱۶ سالگی با اعضای خانواده طرزی در هفدهم جنوری ۱۸۸۲ وارد کویته شدند و پس از مدتی اقامت در هند، در ماه مارچ ۱۸۸۵ از بندر کراچی عازم کشور عثمانی گردیدند. آنها نخست به بغداد رفتند و سپس راهی دمشق شده و در آنجا رحل اقامت افگندند. محمود طرزی، در دمشق، زبان های عربی و ترکی را فرا گرفته و با زبان فرانسوی نیز آشنایی پیدا کرد. وی در زمینه های اجتماعی، ادبی و سیاسی به مطالعه پرداخت و تحت تأثیر جریان های فکری و سیاسی آنروز ترکیه، شخصیت و افکار او شکل گرفت. در سال ۱۸۹۶م سید جمال الدین افغان به استانبول تشریف بردن و غلام محمد خان فرزندش محمود را که ۳۱ سال داشت با مکتوب بسیار «ادیبانه و حکیمانه» غرض استفاده از «فیوضات علمی آن حکیم فرزانه از شام به استانبول اعزام نمود» که محمود هر روزه در محفل عرفان این عالم و فیلسوف سترگ افغانستان سید جمال الدین افغان اشتراک می نمود و خودش می نویسد:

"علامه سید جمال الدین افغان یک معدن عرفان بود، هر کس به قدر استعداد آلات و ادوات حواس دماغیه خود از آن معدن به استخراج فضائل کامیاب می آمد. این هفت ماهه مصاحبت، به قدر هفتاد ساله سیاحت را در بر دارد مباحثه علمیه، حکمیه، فلسفیه، سیاسیه اجتماعیه و غیره که هر روزه در محفل بزم حضور آن علامه دهر جریان می یافت، هر جمله و هر عباره آن کتاب ها و رساله ها تحریر به کار دارد". . . .

محمود در سال (۱۸۹۳م) رساله حقوق بین الدول - اثر حسن فیهمی پاشا بدری را از ترکی به دری ترجمه و پدرش آنرا به امیر عبدالرحمن خان فرستاد. محمود طرزی، بعد از مرگ عبدالرحمن خان در ماه مارچ ۱۹۰۲م به عنوان فاتحه همراه با برادرزاده اش حبیب الله طرزی، به کابل آمد و مدت ده ماه مهمان امیر جدید بودند، در حالیکه محمود طرزی پست حساس دولتی در عثمانیه داشت ولی خدمت به وطن و به مردم وطنش افغانستان از مقام و منافع مادی و معنوی برای وی ارزش بیشتر را دارا بود، محمود طرزی طی نشست ها و مجالس متعدد با پادشاه افغانستان در باره اوضاع دنیای خارج و پیشرفت های علمی و فنی در ترکیه صحبت می نمود که مورد توجه واقع شد.

وی می گفت:

"امروز در اروپا و ممالک عثمانی پیشرفت و ترقیات چشمگیری صورت گرفته است. برای ترقی افغانستان نه از انگلیس و نه از هندی ها خیری متصور است. حال آنکه اگر از ممالک عثمانی، که نظر به نزدیکی اروپا، علم و فن در آنجا بیشتر از دیگر ممالک اسلامی انکشاف یافته است، متخصص جلب شود برای برآورده شدن آرزوهای حضرت امیر مفید تر و موثر تر واقع خواهد شد."

طرزی همان سان که همه می دانیم تنها روزنامه نگار نبود و این حرفت بخشی شخصیت او را می ساخت. او اندیشمند بود؛ نویسنده بود؛ شاعر بود؛ مترجم بود؛ سیاستگر بود؛ دولتمرد بود؛ معرف ادبیات مدرن بود؛ بیگانه ستیز بود و فراتر از همه متجدد و همآورد جویی علیه سنت گرایی بود." ۱۵

محمود طرزی به وطن آمد "سراج الاخبار" را نشر نمود، این جریده مشعل فروزان آزادی خواهان بود چنانچه استاد حبیبی در وصف سراج الاخبار از زبان صدرالدین عینی شخصیت برجسته ادب و فرهنگ تاجیکستان چنین نقل می نماید که:

"چون سراج الاخبار کابل و نوشته های محمود طرزی هم به ما می رسید و آنرا اندر خفا می خواندیم، گماشتگان امیر بخارا نمی گذاشتند و خواننده سراج الاخبار را تعقیب و تنبه می کردند. . . اکثر شعرای جوان تاجیک به پیروی اشعار تنبه آور سراج الاخبار شعر سرودند و جوانان تاجیک آنرا از بر می کردند. پیام سراج الاخبار در جوانان ماوراء النهر خیلی تاثیرات نغز و نیکو داشت" ۱۶

دکتر روان فرهادی به نقل از محمد امین خوگبانی میگویند که در یونورستی پشاور، عطش جوانان به مطالعه سراج الاخبار تا آنجا بود که دهها محصل برای مطالعه زودتر و زودتر آنرا پارچه پارچه نموده و گروهی می خواندند، بعد پارچه ها را با دیگران تبدیل می نمودند.

اما استعمار و اجنهای شان وحشتزده و پریشان بودند، در سپتمبر ۱۹۱۴ کمشنر دهلی W. M. Haily به مسئول اطلاعات جنائی Sir. Charles Cliv land نوشت که: "چون لهجه سراج الاخبار بکلی به منافی منافع ما می باشد، بیاید ورود و توزیع آنرا در هند ممنوع قرار دهیم" ۱۷

تهدید های امیر حبیب الله خان و برتانیه هیچ تاثیری بر جریده ننمود چنانچه در ۱۶ اپریل ۱۹۱۵ شعر حماسی و پرشور مولوی صالح محمد افغان نشر گردید، وایسرای هند به قول شادروان داوی با قلم سرخ عنوان شعر را دائره کشیده به امیر ضم نامه ای فرستادند. ۱۸

از این جاست که هراس در دل ها می افتد و ورود جریده سراج الاخبار به هند بریتانوی مانند قلمرو تزار روسیه ممنوع می شود، چنانچه بیست و پنج سال قبل از آن در مصر قانونی تصویب شد که جریده عروة الوثقی را ممنوع الورد اعلان نموده بودند.

بریتانیه نه تنها ورود سراج الاخبار را در قلمرو هند ممنوع ساخت بلکه وقتاً فوقتاً امیر را بر ضد طرزی تحریک می نمودند و او که جز رضایت برتانیه آرزوی دیگر نداشت با تهدید و جریمه مزاحم کار وی می شد. در ادامه در ۱۶ اگست ۱۹۱۶ سیاست جدیدی را علیه اخبار اتخاذ نمودند، به قول از حافظ سیف الله نماینده برتانیه در کابل که در راپور ۷ نوامبر ۱۹۱۷ خود نوشته بود که امیر حبیب الله خان برای طرزی خشمگینانه نوشت:

محمود طرزی، پسر غلام محمد طرزی، ادیتور، اخبار!

باید بدانی که در آینده چنین مطالب غیر مؤثق را علیه برتانیه، نوشته نکنید، چه آنها، دوست حکومت ما می باشند. اگر دوباره بدین طریق نوشته کردید بدون ملاحظه از کشور خارج ساخته خواهید شد» ۱۹

حتی وی را جریمه نقدی نموده و معاشاتش را قطع نمودند و گفت: مرغی که بدون وقت آذان دهد سرش از بریدن است. امیر به این هم اکتفا نکرده ۲۶ هزار کابلی جریمه اش کرد. این پول به صورت سری توسط شهزاده امان الله خان پرداخته شد.

یکی از ترجمه های طرزی (منازعه علم و دین یا معرکه مذهب و سیانس) (ترجمه اثر جان ولیام دری پر) که (احمد مدحت افندی) آنرا به ترکی و سپس طرزی آنرا به دری آراست، که در عین زمان غلام محی الدین افغان، آن را از اثر شبلی نعمانی به عنوان "معرکه مذهب و سیانس" از اردو به دری ترجمه نموده بود.

محمود طرزی با این همه ابتکار و پشت کار در مدیریت خویش، سراج الاخبار را به منبر مبارزه و آزادی خواهی در منطقه تبدیل کرد. از سراج الاخبار شبه قاره هند، سرزمین های آسیای میانه و ایران که زیر چکمه های استبداد داخلی و استعمار خارجی قرار داشتند متأثر شدند. سراج الاخبار در این جوامع در میان عناصر و حلقه های آزادی خواهان و مبارزان دست به دست می گشت و منبع الهام در مبارزات سیاسی و اجتماعی آنها در جهت رسیدن به آزادی و عدالت اجتماعی می شد. " ۲۰

"در هر حال گرچه هر دو شخصیت معروف افغانستان، یعنی سید جمال الدین افغان و محمود طرزی این پیکارگران در برابر استبداد و استعمار، دانشمندان سنت شکن، نو اندیش، تجددگرا، طرفدار ترویج فرهنگ صنعتی، ضربت به ارباب تعصب و جمود فکری بودند، هر دوی شان استقلال طلب بودند از آزادی و حریت سخن می زدند و طرفدار اتحاد جهان اسلام (پان اسلامیزم) بودند و افکارشان الهام بخش بود. " ۲۱

"طرزی پس از عودت از ترکیه عثمانی توسط جریده سراج الاخبار، اعتقادات «ترکان جوان» سید احمد خان و سید جمال الدین افغان را برای افغانها معرفی کرد و آنها را از حوادث جهان در عرصه های سیاسی علمی و فرهنگی مطلع ساخت. " ۲۲

"محمود طرزی یکی از اخلاف و پیروان راه سید جمال الدین افغان بعد از سپری شدن یک دوره اختناق و سلطنت استبدادی توانست اهداف سید افغان را تا حدی در جامعه افغانستان پیاده نماید و بزرگترین کار این بزرگ مرد اندیشه و قلم احیای فرهنگ و مطبوعات بود که میتوان او را پدر دومین مطبوعات و بنیان گذار روزنامه نگاری نوین در افغانستان یاد نمود" ۲۳

در چنین وضع و شرایط ملی و بین المللی محمود طرزی با نشر «سراج الاخبار افغانیه» ۱۹۱۱م درفش روشنگری ترقی و آزادی ملی را بر فراز قله های آسمانی کابل بر آفراشت. " ۲۴

"بدین گونه سراج الاخبار و در راس آن محمود طرزی نه تنها در داخل کشور یگانه محرک جنبش آزادی خواهی روشنفکران و جوانان و اصلاح طلبان بود، بلکه در خارج کشور نیز در محافل آزادی خواهان هند و مشروطه طلبان ایران و جوانان آسیای میانه، که در آتش استعمار و استبداد شاهان خود کامه می سوختند، جنبش آفرین بود" ۲۵

"فامیل محمود طرزی وزیر امور خارجه، تنها یک فامیل ادیب و با سواد نی، بلکه خود یک مکت اندیشه و تفکر است. . . در طول دو دهه پس از برگشت خود، نفوذ زیادی بر دربار وارد نمود، او نظریات خود را ضمن موضوعات مختلف در باره آزادی ملی، علوم، انکشاف تکنالوجی، اتحاد مسلمانان، کسب دانش و نقش زن در حیات فامیلی، حیات اجتماعی و تعلیم و تربیت در سراج الاخبار (۱۹۱۱ - ۱۹۱۸) که به اجازه امیر نشر می شد منعکس نمود".

قصه خیلی زیبا از محترم محمود طرزی در باره پدر مرحومش غلام محمد طرزی



محمود طرزی از فرار امیر شیرعلی خان به سوی مزار و بر تخت نشینی امیر یعقوب خان، تصویر روشنی می کشد. او در مورد موقف غلام محمد طرزی پدرش در این میان چنین مینویسد:

حضرت پدر بر همان روش گوشه نشینی و ثوقی، از سلام دربار و دید و بازدید سرکار بر دوام بوده، به مطالعات و تحریر و تذهیب و نقاشی و شعر سرانی خود شان به قرار هر وقت مشغول بودند. یک بار برای فاتحه خوانی تعزیه امیر شیر علیخان که امیر یعقوب خان در باغ امیر شیر علیخان میگرفت، بیاد دارم که رفته بودند و لیکن در جایی که برای مردم عوام تخصیص شده بود، آمده نشستند و دست بالا کرده، فاتحه خواندند. شاغاسیان و پیشخدمتان دربار به اشارت امیر هر قدر کوشش و اصرار مینمودند، جای شما اینجا نیست! در سالونی که امیر و سران و سرداران نشسته اند، تشریف بیآورد!، هیچ التفاتی نفرموده، گفتند: من فاتحه را به باغ و قصر امیر مرحوم میخوانم، نه به کسی دیگر.

از کتابخانه: آشوک داس

نویسنده: آشوک داس

منابع: آشوک داس



برای مطالب دیگر حسیب فضل روی عکس کلیک کنید